

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی ، سه شنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۴ - ۲۶ محرم ۱۴۳۷

دلایل نقلی جواز قیام و تشکیل حکومت در زمان غیبت

دوم. سنت

یک. « و عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ »^۱

بررسی سند حدیث

بررسی سند حدیث و وضعیت روایان سخن معصوم در مقام استنباط و اجتهاد بسیار حائز اهمیت است. چه تا صحت و اعتبار سند روشن نشود و یقین به صدور حدیث از ناحیه معصوم حاصل نگردد بحث در مورد دلالت حدیث جایگاهی ندارد. به بیان دیگر چون بررسی دلالت حدیث فرع بر قطعیت صدور آن از معصوم است ضرورت دارد در ابتدای استناد به هر روایتی سند آن بررسی شود.

تعبیر «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» نشان می‌دهد روایت مورد اشاره در زمان مرحوم کلینی معروف و مشهور در میان علما بوده است و افراد متعددی آن را نقل کرده‌اند. چنانکه تعبیر «قد روی غیر واحد من اصحابنا» بر همین معنا دلالت می‌کند.

^۱ الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۲؛ باب فضل الجهاد؛ ج ۵، ص: ۲

عمر بن ابان که روایت را از حضرت صادق نقل کرده، فرزند ابان بن تغلب است که از اصحاب صادقین به شمار می‌رود. لذا در ثقه بودن او تردیدی نیست و لذا روایت در شمار روایات موثقه قرار می‌گیرد.

بررسی دلالت حدیث

عبارت «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ» بیان می‌کند وصول به خیر جز در سایه شمشیر میسر نیست. یعنی چنین نیست که مردم تنها با موعظه، نصیحت، ارشاد و توصیه در مسیر صحیح قرار گیرند. بلکه لازم است در جریان هدایت یک محور اقتدار و قدرت نیز وجود داشته باشد.

آنچه محل شاهد ما در تبیین جواز قیام و اقامه حکم در عصر غیبت است این قسمت از فرمایش پیغمبر اکرم است که فرمودند مردم جز با شمشیر اقامه نمی‌شوند: «وَلَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ». یعنی تحقق جامعه دینی در سایه شمشیر است به طوری که اگر قدرت وجود نداشته باشد جامعه تشکیل نمی‌شود. ضرورت تشکیل اجتماع مسلمانان و برپایی جامعه دینی در زمان غیبت امام زمان قابل بحث نیست. بنابراین اطلاق بیان پیامبر بر این که قیام نظامی در عصر غیبت برای تشکیل جامعه اسلامی لازم است دلالت می‌کند.

اهمیت کتاب کافی در میان کتب اربعه: کتاب شریف کافی دو ویژگی دارد که آن را در میان کتب اربعه حدیثی ممتاز و پراهمیت می‌کند. نخست اینکه از نظر زمانی متقدم بر سه کتاب دیگر نوشته شده است. مرحوم کلینی در زمان غیبت صغری می‌زیسته و شاهد بسیاری از توقیعات شریف امام عصر بوده است. حتی برخی نقل کرده‌اند به طور غیر ادعایی ایشان با خود حضرت ارتباط داشته است. ویژگی دوم کتاب کافی این است که مورد تایید امام زمان قرار گرفته و عبارت «الکافی کافٍ لشیعتنا» درباره آن از حضرت نقل شده است. لذا روایاتی که در ضمن بحث مورد اشاره قرار می‌گیرد از این کتاب است. هر چند بیشتر این روایات در سایر کتب روایی از جمله وسائل الشیعه مرحوم شیخ حر عاملی نیز نقل شده است.

دو. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ بَابُ الْمُجَاهِدِينَ يَمْضُونَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَ هُمْ مُتَقَلِّدُونَ بِسُيُوفِهِمْ وَ الْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ وَ الْمَلَائِكَةُ تُرْحَبُ بِهِمْ ثُمَّ قَالَ فَمَنْ تَرَكَ

الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْنَى أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَ مَرَائِزِ رِمَاحِهَا^۱

بررسی سند حدیث

تمام افراد سلسله سند ثقه و معروف اند. شخص علی بن ابراهیم از محدثان بزرگ است که بیان هایش در تفسیر گرچه نقل از معصوم نیست به مثابه سخن معصوم تلقی می شود. دیگر افراد نیز ثقه و مورد اطمینان اند.

بررسی دلالت حدیث

پیغمبر فرمودند یکی از درهای بهشت باب مجاهدان است که از آن در داخل بهشت می شوند. وقتی مجاهدان به این در می رسند، در برای ایشان باز می شود. این در حالیتیست که مجاهدان سلاح هایشان را به خود آویخته اند و مردم هنوز در موقف سرگردان اند و فرشتگان به آنان خوشامد می گویند.

ترجمه سیف به سلاح علی رغم این که واژه سیف به معنای شمشیر است به خاطر کنایی بودن تعبیر سیف از مطلق سلاح و ابزار جنگی در بیان های ائمه است. مویذ این ادعا روایاتی است که در مقام پیش بینی قیام امام زمان وارد شده و بیان گر این است که شیعیان سیوف و شمشیرهای خود را روی دوششان می گذارند. از جمله این بیان امام صادق خطاب به ابوبصیر که فرمودند: ای ابا بصیر، هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند گروهی از شیعیان ما را که دسته های شمشیرشان را روی دوششان گذارده اند زنده می کند: «يَا أَبَا بَصِيرٍ، لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا قَبَاعُ سِيُوفِهِمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ». با توجه به اینکه شمشیر را یا به دست می گیرند و یا به کمر حمایل می کنند و رسم نیست که آن را روی دوش گذارند معلوم می شود مراد امام از تعبیر سیوف ابزار و سلاحی جنگی ای مثل تفنگ های امروزی است که در هنگام تیراندازی بر عاتق به معنای استخوان بالای شانه که از آن به کتف تعبیر می شود قرار می دهند. بنابراین اینکه مردم در زمان قدیم شمشیری در خانه خود نگهداری می کردند تا در

^۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۲؛ باب فضل الجهاد؛ ج ۵، ص: ۲

صورت درک زمان ظهور حضرت حجت با آن به یاری امام برخیزند معنایی ندارد. همچنین این سخن که در زمان حضور جنگ افزارهای پیشرفته از کار می افتد و مثل گذشته باید از شمشیر استفاده کرد حرف صحیحی نیست و ان شا الله در زمان ظهور امام زمان از ابزارهای روز استفاده خواهد شد.

بعد از توصیف آینده نیکوی مجاهدان در روایت که ایشان بدون حساب و کتاب و در حالی که دیگران در محشر معطل حسابرسی اعمال اند وارد بهشت می شوند و فرشتگان به ایشان خوشامد می -گویند، در ادامه روایت جملاتی بیان شده است که به عنوان مطلقات لفظی در جواز قیام و جهاد می تواند مورد استناد قرار گیرد.

جمله نخست این که پیامبر فرمودند کسی که جهاد را ترک کند خدا او را در پیش خود خوار می کند، و در اسباب زندگی به فقر مبتلایش می سازد، و دینش محو می شود: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ». مراد از کسی که جهاد را ترک کند، افراد جامعه ایست که جهاد و مقابله با دشمن نمی کنند. لذا جامعه به دست دشمنان می افتد و در نتیجه استکبارورزی دشمن فقر و ذلت بر آنان مستولی می گردد و دین از بین می رود. این بیان پیغمبر خبر از یک واقعیت همیشگی در طول تمام ازمه و امکانه است و اختصاص به وقت و موقعیت خاصی ندارد. از بین رفتن و اضمحلال دین در اثر ترک جهاد مخصوص زمان حضور معصوم نیست. لذا اگر در زمان غیبت نیز جهاد و مقابله با دشمن انجام نشود به تدریج دین از بین می رود.

بنابراین روایت مورد اشاره به طور قطعی بر جواز و مشروعیت قیام در زمان غیبت برای جلوگیری از اضمحلال دین دلالت می کند. اگر نگوییم که وجوب قیام را ثابت می کند.

جمله بعدی این تعبیر پیامبر است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْنَى أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَ مَرَائِزِ رِمَاحِهَا». طریحی در مجمع البحرین سُنْبُک بر وزن قنقد که مفرد سَنَابِک است را به معنای جلوی پا و سُم اسب دانسته است: «و السُّنْبُکُ كَقُنْفُذٍ: طرف مقدم الحافر و هو معرب و الجمع سَنَابِكُ». واژه مَرَائِز جمع مرکز به معنای جای کوبیدن نیزه بر روی زمین است. چنانکه گفته می شود: رَكَزَتِ الرَّمْعُ أَى غَرَزَتْهُ فِى الْأَرْضِ. رِمَاح جمع رمح به معنای نیزه است.

بنابراین معنای فرمایش پیامبر این است که خدای متعالی امت من را به نوک سم اسبان و محل قرار گرفتن نیزه‌هاشان بی‌نیاز کرده است. این بیان کنایه از هیبت صفوف رزمندگان در جبهه جنگ است که وقتی رزمندگان در لشگرهای سواره به صف می‌ایستادند، اسب‌ها یک دستشان صاف بود و نوک سُم دیگر بر روی زمین قرار می‌گرفت. الان نیز در لشگرهای نظامی اسب سوار، اسب را جوری تربیت می‌کنند که یک دست را صاف بر روی زمین قرار دهد و دست دیگر نوک سم بدون تماس با زمین بر روی زمین قرار گیرد. در این حالت سواران نیزه‌های خود را بر روی زمین می‌کوبیدند به طوری که از دور سر نیزه‌ها به ردیف دیده می‌شد.

بر اساس این بیان پیامبر نیز عامل غنای امت اسلام در طول زمان چه دوران حضور معصوم و چه دوران غیبت امام اقدام به جهاد و قیام است.

سه. « قَالَ النَّبِيُّ ص أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ ع بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ غَزَا مِنْ أُمَّتِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَصَابَهُ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ صَدَأَتْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ شَهَادَةً^۱»

بررسی سند حدیث

این روایت مرسل است که شاید چون افراد سلسله سند از عامه بودند ذکر نشده است. توضیح اینکه بسیاری از روایات پیامبر که در کتب اربعه آمده سند معتبری از شیعه ندارد. مثل روایاتی که ابوهریره و مانند او نقل کرده‌اند. بنابراین محدثان اصلاً سلسله سند را ذکر نکرده‌اند.

نکته‌ای در مورد روایات عبدالله بن عباس از پیامبر: بهترین روایات اهل سنت از نظر سندی روایاتی است که به ابن عباس ختم می‌شود. لیکن به نظر ما معتبر نیست. چه وی در زمان رحلت پیامبر دوازده سال بیشتر نداشته است. این که گفته‌اند خود او

^۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۳؛ باب فضل الجهاد؛ ج ۵، ص: ۲

شخص ثقه و قابل اعتمادی است و لذا آنچه نقل کرده معتبر است نیز قابل پذیرش نمی باشد. چه ابن عباس پس از آنکه در زمان خلافت امیرالمومنین به امارت بصره منصوب شد در جریان شیخون مأمور معاویه و قتل عام و غارت اموال مردم آن شهر، بیت المال مسلمانان را به یغما برد و شبانه بصره را رها کرد و به سمت مکه گریخت. حضرت علی نیز در نامه ای به وی او را صریحاً تهدید کردند که اگر زنده ماندم و قائله را حل کردم حاکم میان من و تو شمشیر ذوالفقار است.

بررسی دلالت حدیث

پیامبر فرمودند جبرئیل به من خبری داده که به واسطه آن چشمم روشن و قلبم خوشحال شد و آن اینکه هر کس از افراد امت در راه خدا بجنگد و قطره ای از آسمان به او اصابت کند یا آسیب ببیند خدا برای او شهادت را ثبت می کند. بنابراین می توان گفت هر رزمنده ای هر چند کشته نشود بلکه به مقام جانبازی برسد ثواب شهید را دارد. در این میان تعبیر هر کس از افراد امت: «مَنْ غَزَا مِنْ أُمَّتِكَ» مطلق است و مجاهدت در راه خدا در هر زمانی چه معصوم حضور داشته و چه در غیبت باشد را شامل می شود.

چهار. «عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَاهِدُوا تَغْنَمُوا»^۱

بررسی سند حدیث

سلسله روایت حدیث یعنی علی بن ابراهیم، پدرش، نوفلی و سکونی افراد قابل اعتمادند. لذا سند حدیث معتبر است.

بررسی دلالت حدیث

^۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۸؛ باب فضل الجهاد؛ ج ۵، ص: ۲

حصول غنیمت در نتیجه جهاد معنای عامی دارد و فقط غنائم جنگی مراد نیست. بنابراین روایت بیان می‌کند تمام دارایی شما به جهاد وابسته است.

پنج. « مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ سُؤَيْدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ قَالَ مَنْ عَقَرَ جَوَادَهُ وَأَهْرَبِقَ دَمَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ »^۱

بررسی سند حدیث

روایت به خاطر وجود سماعه و ابوبصیر نازل منزله حدیث صحیح است.

بررسی دلالت حدیث

از آن رو که در زمان امام صادق فضای جنگ و جهاد در اختیار کسانی بود که به خاطر مفتون شدن مورد تایید امام نبودند و لذا امام اصحابشان را از شرکت در مبارزه نهی می‌کردند. ابوبصیر از حضرت پرسش کرد که چه نوع جهادی برتر است و گو اینکه توقع داشت امام جهاد با نفس را برترین نوع جهاد معرفی کنند.

حضرت صادق برای تصحیح ذهن ابوبصیر که مبدا فکر کند جهاد مسلحانه با دشمن پذیرفته نیست فرمودند بالاترین جهاد، جهاد کسی است که خود را بر سپاه دشمن بزند و بازنگردد تا اسب او را پی کنند و خون او را بریزند.

اطلاق روایت گویای این است که اگر شرایط جهاد و قیام در هر زمانی فراهم شود فضیلت و برتری دارد و مختص زمان حضور معصوم نیست.

^۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۵۴؛ باب فضل الشهادة؛ ج ۵، ص: ۵۳

شش. « عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ حَبْدَرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ »^۱

بررسی سند حدیث

معنای تعبیر عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا در قبل گذشت.

بررسی دلالت حدیث

با توجه به اینکه جهاد از جمله واجبات و فرائض است، معنای فرائض در روایت مورد بحث خصوص نمازهای یومیه دانسته شده است. بنابراین پس از نمازهای یومیه که بر هر چیزی مقدم است جهاد بر سایر واجبات برتری دارد. معنای دیگری که برای روایت می‌توان گفت این است که هر چند در دوره و زمانی جهاد واجب و فریضه نباشد اما جزء برترین کارها به شمار می‌رود. لذا اگر در زمان غیبت به خاطر عدم حضور معصوم جهاد واجب نباشد اما بر اساس روایت پیشگفته می‌توان آن را مشروع و افضل الاشیا دانست. مثلاً در حال حاضر که جبهه نبرد با داعش و گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه تشکیل شده است هر چند حکم جهاد از سوی مراجع صادر نشده اما اقدام به مبارزه مشروع و مطلوب است.

^۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۴؛ باب فضل الجهاد؛ ج ۵، ص: ۲